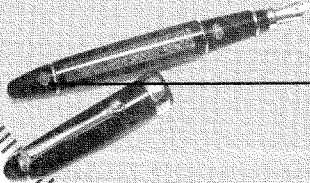


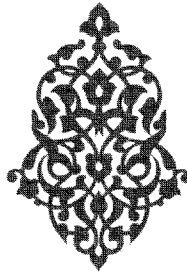


# استظلال (۲)

مصطفی آخوندی

بخش نخست این نوشته - که فصل اول و دوم بحث را تشکیل می‌داد - با عناوین «معنا کاوی استظلال» و «استظلال در روز»، در شماره قبل (۷۸) از نظر گذشت و اکنون در این شماره، بخش دوم آن را که سامان یافته از فصل‌های سوم تا هشتم و با عناوین: «استظلال در روزهای ابری و بارانی»، «استظلال در حالت اضطرار»، «استظلال در توقفگاه‌ها و منزلگاه‌ها»، «استظلال برای زنان و کودکان»، «استظلال در شب» و «کفاره سایه» می‌باشد، تقدیم شما می‌کنیم تا شاید با یاری خداوند، ضمن تبیین مباحث، به پرسش‌های بی‌شمار مطرح شده در بحث استظلال پاسخ داده باشیم:





## فصل سوم؛ استظلال در روزهای ابری و بارانی

پرسش: آیا استظلال در روزهای ابری و بارانی جایز است؟

پاسخ: در این مورد، فتاویٰ مختلفی از سوی فقها که فتاویٰ ایشان در دست است، صادر شده که می‌توان فتاوا را بر سه دسته تقسیم کرد:

الف: تفصیل بین ابر تیره با عدم صدق استظلال و ابر غیر تیره. امام خمینی رحمته الله علیه و آیات عظام؛ بهجت، نوری همدانی و سیستانی.

ب: جواز؛ آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی

ج: عدم جواز؛ آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی و گلپایگانی

### \* تفصیل

۱. امام خمینی رحمته الله علیه و آیت الله نوری همدانی: ... استظلال در هوای ابری در روز، جایز

نیست، مگر ابر به طوری تیره باشد که استظلال صدق نکند.<sup>۱</sup>

۲. آیت الله بهجت رحمته الله علیه: استظلال در هوای ابری در روز، اگر طوری باشد که تظلیل صادق

نباشد اشکال ندارد.

۳. آیت الله سیستانی: با تفصیل بین ابر بارانی و ابر بی باران می‌فرماید: سوار شدن در

ماشین سقف‌دار و مانند آن در شب و بین الطلوعین و روزهایی که ابر غلیظ مانع تابش

خورشید باشد، در صورتی که بارانی نباشد، اشکال ندارد و اگر بارانی باشد کفاره دارد و به

احتیاط واجب جایز نیست. اگر ابر تیره باشد که اشعه آفتاب را به کلی پوشانده باشد و باران

نباشد اشکال ندارد.

## \* جواز

۴. آیت الله مکارم: و در روزهای کاملاً ابری و بین الطلوعین نیز استفاده از ماشین سربوشیده مانعی ندارد. تیره بودن ابرها لازم نیست، منظور نبودن سایه است.
۵. آیت الله سبحانی: حرکت در روز ابری با ماشین مسقف مانع ندارد. (م ۴۸۵ محشی)

## \* عدم جواز

۶. آیت الله تبریزی و آیت الله خویی رحمتهما: استظلال در روز ابری هم جایز نیست.
۷. آیت الله صافی، آیت الله گلپایگانی رحمتهما در پاسخ استظلال در روز ابری فرموده اند: استظلال در هوای ابری، در روز جایز نیست.<sup>۲</sup>

در مورد این مسأله، چهار روایت با عنوان «روایات مطر» نقل شده است. میان «باران» و «ابر» عام و خاص مطلق است. هر بارانی ملازم ابر است ولی هر ابری الزاماً بارانزا نیست. ذکر این روایات، تنها برای آگاهی خوانندگان بزرگوار است نه استدلال بر فتاوی یاد شده. یادآوری دوم این که در روایات، بحثی از ابر نشده و حکم ابر که اعم از ابر بارانزا و ابر غیر بارانزا باشد، بیان نشده است. عدم ذکر ابر در کنار باران، می تواند دلیلی بر برخی اقوال باشد.

۱. «أَخْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرَسِيُّ فِي الْإِحْتِجَاجِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْمُحْرَمِ يَسْتِظِلُّ مِنَ الْمَطْرِ يَنْطَعُ أَوْ غَيْرِهِ حَذْرًا عَلَى ثِيَابِهِ وَمَا فِي مَحْمِلِهِ أَنْ يَبْتَلَّ، فَهَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ؟ الْجَوَابُ: إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فِي الْمَحْمِلِ فِي طَرِيقِهِ فَعَلَيْهِ دَمٌ».<sup>۲</sup>

«طبرسی در کتاب احتجاج از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری نقل می کند: از امام زمان علیه السلام سؤال شد: مُحْرَمی با پوست یا چیز دیگری برای پیشگیری از خیس شدن لباس یا خیس شدن آنچه در محمل دارد، خود را از باران می پوشاند، آیا این کار جایز است؟ پاسخ داده شد: اگر چنین عملی را در محمل و در حین حرکت انجام دهد، باید یک قربانی بکشد.»

۲. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ، الْمُحْرِمُ هَلْ يُظَلُّ عَلَى نَفْسِهِ إِذَا أَذَتْهُ الشَّمْسُ أَوْ الْمَطَرُ أَوْ كَانَ مَرِيضاً أَمْ لَا؟ فَإِنْ ظَلَّ هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ الْفِدَاءُ أَمْ لَا؟ فَكَتَبَ: يُظَلُّ عَلَى نَفْسِهِ وَيَهْرِيقُ دَمًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»<sup>۴</sup>

«علی بن محمد گفت: نامه‌ای به امام هادی علیه السلام نوشتم و از آن حضرت پرسیدم: هرگاه آفتاب یا باران مُحْرِم را آزار رساند و یا بیمار باشد، می‌تواند استظل کند و اگر تظلیل کرد کفاره بر او واجب است؟ امام علیه السلام در پاسخ نوشتند: استظل می‌کند و یک قربانی کفاره می‌دهد، ان شاء الله.»

۳. «إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ، قُلْتُ لِلرَّضَا علیه السلام: الْمُحْرِمُ يُظَلُّ عَلَى مَحْمِلِهِ وَيَقْدِي إِذَا كَانَتِ الشَّمْسُ وَالْمَطَرُ يُضْرَّانِ بِهِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: كَمْ الْفِدَاءُ؟ قَالَ: شَاةٌ»<sup>۵</sup>

«ابراهیم بن ابو محمود گفت: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: محرمی که بر محملش نشسته و برای پرهیز از ضرر آفتاب و باران استظل می‌کند و کفاره می‌دهد (آیا جایز است؟) امام علیه السلام فرمود: آری، جایز است. پرسیدم: چه مقدار کفاره دهد؟ فرمود: یک رأس گوسفند.»

۴. «إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ رَجُلٌ عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرِمِ مِنْ أَدَى مَطَرٍ أَوْ شَمْسٍ وَأَنَا أَسْمَعُ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَقْدِيَ شَاةً وَيَذْبَحَهَا بِمَنَى»<sup>۶</sup>

«اسماعیل بن بزیع گوید: شنیدم که مردی از امام رضا علیه السلام پرسید: مُحْرِمی به خاطر مشکل باران و خورشید تظلیل می‌کند (تکلیف او چیست؟) حضرت دستور داد یک رأس گوسفند کفاره دهد و در منا قربانی کند.»

این روایت شبیه روایت پیشین است؛ چون هر دو از امام رضا علیه السلام با یک مضمون نقل شده است. این احتمال وجود دارد که هر دو یکی باشند. مرحوم صدوق نیز آن را نقل کرده و این عبارت بر آن افزوده شده است؛ «وَقَالَ نَحْنُ إِذَا أَرَدْنَا ذَلِكَ ظَلَلْنَا وَ قَدَيْتَنَا».

نکات قابل توجه در سه روایت اخیر عبارت‌اند از:

\* نخست این‌که: روایات به حالت اضطرار اشاره دارند.

\* دوم: سؤال راوی از دو چیزی است که به ظاهر ضد هم هستند؛ «آفتاب» و «باران».

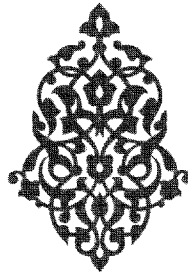
روشن است که باران با ابر تیره جلوی آفتاب را می‌گیرد، در این صورت استظلال صدق نمی‌کند. به همین جهت، برخی در بررسی روایات گفته‌اند:  
اولاً: ممکن است روایات ناظر به روز؛ یعنی جمع بین «آفتاب» و «باران» باشد، لذا گاه  
مطر با «او» آمده و گاه با «واو».

ثانیاً: شاید روایات مطر ناظر به توسعه در معنای تظلیل باشد؛ ظلّ به معنای پوشاندن که  
براستار از باران نیز صدق می‌کند. هرچند که استظلال در معنای لغوی و عرفی، استظلال از  
خورشید است. نه این که دو حکم وجود داشته باشد؛ یک حکم استظلال از خورشید و یک  
حکم استظلال از مطر.<sup>۷</sup>

شاید کسانی که به حرمت استظلال در هوای بارانی فتوا داده یا احتیاط کرده‌اند، برای  
روایاتِ مطر مفهوم قائل شده‌اند. با این استدلال که استظلال در حالت اضطرار بارانی جایز  
و کفاره دارد.

مفهومش آن است که پس در حال اختیار جایز نیست، ولی این سؤال پیش می‌آید که  
آیا می‌توان برای هوای بارانی دو حالت «اختیار» و «اضطرار» تصور کرد؟





### فصل چهارم؛ استظلال در حالت اضطرار

اجماع فقهای شیعه برای حاجیانی که عذری مانند بیماری، پیری، گرما و یا سرمای شدید، باران و طوفان و... داشته باشند، فتوا به جواز استظلال داده‌اند.

استظلال در حالت اختیار حرمت تکلیفی دارد، ولی آیا در حالت اضطرار نیز حرمت تکلیفی دارد یا نه؟ بحثی است که در این مقاله ضرورتی به پرداختن به آن نمی‌بینیم. ملاک اضطرار چیست؟ در کلمات فقها، ملاک‌های متفاوتی دیده می‌شود. به عنوان مثال، شیخ طوسی و ابن ادریس «ضرر عظیم» را ملاک می‌دانند. شیخ صدوق به «ترس از باران»، «اذیت و ناراحتی از خورشید» و «دچار مشکل شدن»، اشاره دارد. صاحب جواهر «حرجی بودن» را ملاک گرفته است.<sup>۸</sup>

همچنین آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «اضطرار» غیر از «حرج» است و معیار، حرج است نه ضرورت.<sup>۹</sup>

در روایاتی که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، ملاک‌هایی مانند: مریض، شیخاً کبیراً، من به علة، صدع (سردرد)، یؤذبه الشمس، لا یطیق حرّ الشمس، شقّ علیّه و لا یستطیع أن یتصیبه الشمس آمده است.

شیخ صدوق: «وَلَا بَأْسَ أَنْ يُظَلَّلَ الْمُحْرِمُ عَلَى مَحْمَلِهِ إِذَا كَانَتْ بِهِ عِلَّةٌ، أَوْ خَافَ الْمَطَرَ وَ إِذَا أَصَابَهُ حَرُّ الشَّمْسِ وَ تَأَذَّى بِهِ».<sup>۱۰</sup>

«اشکالی نیست که محرم، اگر مشکل و بیماری دارد و یا از باران می‌ترسد و یا از تابش خورشید اذیت می‌شود؛ در محملش استظلال کند.»

شیخ طوسی و ابن ادریس اضطرار را در ضرر عظیم می‌بیند؛ «و لَا يَجُوزُ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يُظَلَّلَ عَلَى نَفْسِهِ إِلَّا إِذَا خَافَ الضَّرَرَ الْعَظِيمَ».<sup>۱۱</sup>

برای محرم استظلال جایز نیست مگر آن‌که از خسارت و ضرر بزرگی بترسد.

شبه همین ادبیات را ابن ادریس در کتاب سرائر دارد.<sup>۱۲</sup>

علامه شیخ حسن نجفی: «نعم، لو اضطرَّ لم يحرم بلا خلاف أجده فيه، بل الإجماع بقسميه عليه و هو الحجَّة»؛<sup>۱۳</sup> «آری، اگر به استظلال اضطرار پیدا کند، حرام نیست. خلافتی در آن ندیدم. بلکه اجماع به هر دو قسم؛ محصل و منقول وجود دارد و حجت است.»

امام خمینی رحمته الله: در صورت وجود عذر - مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی - استظلال جایز است، ولی کفاره دارد.<sup>۱۴</sup>

آیت الله خامنه‌ای: سایه بر سر قرار دادن در حال طی منزل، به علت عذری مانند شدت گرما یا سرما یا بارندگی و یا نبودن وسیله نقلیه بدون سقف، جایز است ولی کفاره ساقط نمی‌شود.<sup>۱۵</sup>

### روایات باب:

علاوه بر دلیل اجماعی، که صاحب جواهر به آن اشاره داشت (بل الاجماع بقسمیه علیه)، روایات فراوانی بر این مسأله دلالت می‌کند:

۱. «عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ الْمُحْرِمِ وَ كَانَ إِذَا أَصَابَتْهُ الشَّمْسُ شَقَّ عَلَيْهِ وَ صُدَّعَ فَيَسْتَتِرُ مِنْهَا؟ فَقَالَ هُوَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهِ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ تُصِيبَهُ الشَّمْسُ فَلْيَسْتَظِلَّ مِنْهَا».<sup>۱۶</sup>

«عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ حَجَّاجٍ مِي گويد: از ابو الحسن موسی بن جعفر عليه السلام این سؤال را کردم: مرد محرمی هنگامی که خورشید به او می‌تابد به مشقت می‌افتد و سر درد می‌گیرد، (تکلیف او چیست؟) امام عليه السلام فرمود: او به حال خویش داناتر است. وقتی می‌داند که تحمل تابش خورشید را ندارد پس استظلال کند.»

## چند نکته

اولاً: افتادن به مشقت و دچار سردرد شدن در اثر تابش خورشید، از علل اضطراب شمرده شده.

ثانیاً: تشخیص تحمل مشقت به خود فرد واگذار شده است نه به دیگری. او خود بهتر می‌داند که تابش گرمای خورشید آزارش می‌دهد یا نه؟ تشخیص موضوع به دست خود اوست.

ثالثاً: هر چند به کفاره اشاره نشده، لیکن با روایات دیگر که سخن از کفاره به میان آورده‌اند، مفید می‌شود.

۲. در صحیح اسماعیل بن عبد الخالق آمده است: «إِلَّا أَنْ يَكُونَ شَيْخًا كَبِيرًا أَوْ قَالَ ذَا عِلَّةٍ»<sup>۱۷</sup> استتلال جایز نیست. جز این که پیر مردی کهنسال است (که طاقتم گرمای آفتاب را ندارد) یا دارای عذری است.

۳. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَظَلُّ وَ أَنَا مُحْرِمٌ؟ قَالَ: لَا. قُلْتُ: أَمْ أَظَلُّ وَ أَكْفُرُ؟ قَالَ: لَا. قُلْتُ: فَإِنْ مَرَضْتُ؟ قَالَ: ظَلُّ وَ كَفْرٌ...»<sup>۱۸</sup>  
«عبدالله بن مغیره گوید: به امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: من محرم هستم آیا می‌توانم سایه بگیرم؟ فرمود: نه. گفتم: سایه بگیرم و کفاره بدهم؟ فرمود: نه. گفتم: اگر بیمار شدم چه کنم؟ فرمود: سایه بگیر و کفاره بده.»

۴. «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتَهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُظَلُّ عَلَيْهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ؟ قَالَ: لَا، إِلَّا مَرِيضٌ، أَوْ مَنْ بِهِ عِلَّةٌ، وَ الَّذِي لَا يُطِيقُ الشَّمْسَ»<sup>۱۹</sup>  
«در صحیح اسحاق بن عمار از امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است: تظلیل جایز نیست، مگر بر مریض یا کسی که عذری شده و یا طاقتم گرمای آفتاب را ندارد.»

۵. صحیح محمد بن منصور آمده بود که امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: تظلیل جایز نیست، مگر به جهت عذر یا بیماری؛ «لَا يُظَلُّ إِلَّا مَنْ عِلَّةٌ أَوْ مَرَضٍ»<sup>۲۰</sup>.

۶. «عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتَهُ عَنِ الْمُحْرِمِ لَهُ زَمِيلٌ فَاعْتَلَّ فَظَلَّلَ عَلَى رَأْسِهِ، أَلْهَ أَنْ يَسْتَظِلَّ؟ فَقَالَ: نَعَمْ»<sup>۲۱</sup>.



«عباس بن معروف از برخی از اصحاب، از امام صادق علیه السلام می‌گوید: از حضرتش پرسیدیم: محرمی، رفیقی دارد که بیمار است و بر سرش سایه گرفته است، آیا برای آن بیمار جایز است استظلل کند؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: آری.»

مجموع این روایات و برخی روایات فصل پیشین، به صراحت بر جواز استظلل در حالت اضطرار دلالت دارند. روایتی که به عنوان معارض بر عدم جواز استظلل دلالت کند وجود ندارد.

سوال: آیا بر استظلل در حالت اضطرار کفاره واجب است؟

پاسخ: کفاره واجب است. فقهای بزرگوار به آن فتوا داده‌اند و دلیل آن، روایاتی است که در فصل کفارات به آن خواهیم پرداخت.

فرع؛ همراه معذور

سوال: آیا استظلل برای همراه معذور جایز است؟

پاسخ: جایز نیست. به دلیل دو روایت.

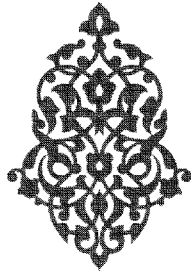
۱. «عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى الْكِلَابِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام إِنَّ عَلِيَّ بْنَ شَهَابٍ يَشْكُو رَأْسَهُ وَ الْبُرْدُ شَدِيدٌ وَ يُرِيدُ أَنْ يُحْرِمَ، فَقَالَ: إِنْ كَانَ كَمَا زَعَمَ فَلْيُظَلِّلْ وَ أَمَّا أَنْتَ فَاضْحَ لِمَنْ أُحْرِمْتَ لَهُ»<sup>۲۲</sup>

«عثمان بن عیسی می‌گوید: به ابوالحسن امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: علی بن شهاب در مورد سرش شکایت دارد. سرما شدید است و او می‌خواهد محرم شود. امام علیه السلام فرمود: اگر گمان می‌کند چنین مشکلی دارد، پس تظلیل کند. اما تو آفتاب بگیر برای کسی که برایش احرام بستی.»

در این روایت به صراحت با دستور «أَمَّا أَنْتَ فَاضْحَ لِمَنْ أُحْرِمْتَ لَهُ» به همراه معذور اجازه استظلل نمی‌دهد.

۲. روایت صحیح بکر بن صالح که می‌گفت: عمه‌ام همراه من است. امام جواد علیه السلام فرمود:

فقط برای او سایه‌بان درست کن؛ یعنی باید خودت پرهیز کنی، ولو معذوری را همراهی می‌کنی.



### فصل پنجم. استظلال در توقفگاه‌ها و منزلگاه‌ها (شهر مکه، منا و عرفات)

تا اینجا ثابت شد که حرمت استظلال در حال سیر و حرکت است، لیکن آیا استظلال در حالت عدم حرکت؛ مانند ایستادن در حال انتظار یا توقفگاه‌های بین راه برای استراحت، ساختن وضو و خوردن غذا و یا منزلگاه‌هایی مانند اقامت در هتل در شهر مکه، خیمه‌های عرفات و منا جایز است؟

مسئله دو صورت دارد: فرود آمدن در اقامتگاه و منزلگاه‌ها و توقفگاه‌های بین راه و تردد در مکه و منا و عرفات.

مسئله اول؛ فرود آمدن در منزل، هتل، خیمه در شهر مکه، منا و عرفات یا توقف در رستوران‌ها، پمپ بنزین‌ها، و... در این مسئله همه فقها به اتفاق، فتوا به جواز استظلال داده‌اند و کسی فتوا بر خلاف نداده است.

مسئله دوم بیرون رفتن از منزل و چادر و تردد در محیط شهر مکه، سرزمین منا و عرفات است. زائری که در شهر مکه از هتل و اقامتگاه خود، برای انجام اعمال به مسجد الحرام می‌رود، آیا می‌تواند سوار ماشین مسقف شود و یا چتر بر سر بگیرد؟ و یا در منا می‌خواهد برای رمی جمره از چادر بیرون رود، آیا می‌تواند در مسیر جمرات چتر بر سر بگیرد و یا از سایبان و مظله استفاده کند؟ در این مسئله دو قول وجود دارد: قول به «جواز» و قول به «احتیاط» و قول به «عدم جواز».

## الف) قائلین به جواز (مشهور فقها)

شیخ طوسی در کتاب خلاف: «... فأما إذا كان نازلاً فلا بأس أن يقعد تحت الخيمة، و الخباء، و البيوت...»

...اما اگر (از ماشین) فرود آمد ایرادی ندارد که زیر خیمه و چادر و خانه‌ها بنشینند.<sup>۲۳</sup>  
امام خمینی رحمته الله علیه: مُحرم می‌تواند بعد از رسیدن به مکه، ولو در محله‌های جدید که از مسجدالحرام دور هستند، برای رفتن به مسجدالحرام در ماشین‌های مسقف سوار شود یا زیر سایه برود.<sup>۲۴</sup>

\* استظلال فقط در حال طی منزل حرام است؛ اما بعد از منزل کردن، در هر مکانی - مانند منا، عرفات یا غیر آن - مانعی ندارد و حتی مُحرم می‌تواند در محلی که منزل کرده، در حال راه رفتن، با چتر و مثل آن، بر سر خود سایه قرار دهد، پس حرکت در منا از چادرها تا قربانگاه و محل جمرات با چتر و غیر آن، مانعی ندارد؛ گرچه در حال راه رفتن، احتیاط مستحب در ترک است.<sup>۲۵</sup>

\* حرکت از زیر سایبان‌های منا ... عبور از زیر پل‌ها و سوار و پیاده شدن از ماشین مسقف، در حالی که ایستاده است، مانع ندارد.<sup>۲۶</sup>

آیت الله مکارم: در مکه مانعی ندارد هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد.<sup>۲۷</sup>  
آیت الله نوری: چون مکه منزل است همین قدر که محرم به مکه رسید می‌تواند در زیر سایه قرار بگیرد و در روز هم با ماشین مسقف حرکت کند...<sup>۲۸</sup>

آیت الله وحید: استظلال بعد از منزل کردن جایز است اگر چه با سایه متحرک باشد.  
آیت الله فاضل: منعی ندارد.

## ب. قائلین به احتیاط

آیت الله بهجت: احتیاط واجب ترک سایه انداختن است در وقت تردد برای حوائج غیر خانه و خیمه و نحو آنها، چه در مکه و چه در عرفات و منی.

آیات عظام: اردبیلی، تبریزی، سیستانی و سبحانی: بعد از رسیدن به مکه هم بنابر احتیاط نمی‌تواند در حال حرکت برای خود سایبان درست کند؛ مثل اینکه چتر بردارد یا سوار ماشین مسقف شود، بلی رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد.

آیت الله خامنه‌ای: احوط آن است که شخص محرم پس از رسیدن به مکه پیش از انجام مناسک عمره و همچنین در حال احرام در عرفات و منا، از قرار گرفتن در زیر سایه‌های متحرک مانند اتوبوس مسقف و چتر، اجتناب کند.

آیت الله خویی: و در قسمت جدید شهر مکه بنا بر احتیاط، سوار ماشین سقف‌دار نشوند.<sup>۲۹</sup>

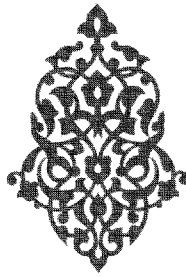
### ج. قائلین به عدم جواز

آیت الله زنجانی: استظلال در مکه در حال اختیار و عدم حرج جایز نیست و فرقی بین رفتن به مسجد الحرام یا منزل یا عرفات یا در منزل مستقر شده باشد یا نه، نمی‌باشد (س ۵۱۳).  
جواز بر مسأله، سه روایتی است که به مناظره ابویوسف از عامه با امام موسی بن جعفر علیه السلام اشاره داشت.

۱. روایت عثمان بن عیسی. ابویوسف از امام موسی علیه السلام پرسید: در مورد تطهیل محرم چه می‌گویید؟ امام فرمود: جایز نیست. گفت: داخل خانه می‌شود، خیمه به پا می‌کند؟ امام فرمود: در اینجا جایز است.

۲. روایت مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ. ابویوسف پرسید: **فَيَسْتِظِلُّ بِالْجِدَارِ وَالْمَحْمِلِ وَيَدْخُلُ الْبَيْتَ وَالْخِيَاءَ؟ قَالَ نَعَمْ.** آیا در سایه دیوار و سایه محمل و داخل خانه و چادر استظلال می‌کند؟ امام در پاسخ فرمود: آری. آن گاه به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد کرد و فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله حج انجام داد و احرام بست و سایه نگرفت. ولی هنگامی که داخل خانه و چادر می‌شد و یا در کنار محمل و دیوار قرار می‌گرفت، استظلال می‌کرد. **(حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَحْرَمَ وَ لَمْ يَظِلَّ وَ دَخَلَ الْبَيْتَ وَ الْخِيَاءَ وَ اسْتِظَلَّ بِالْمَحْمِلِ وَ الْجِدَارِ).**

۳. روایت دهم مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ، ابویوسف پرسید: ای ابوالحسن نظرت در مورد محرمی که در محمل استظلال کرده چیست؟ امام فرمود: جایز نیست. پرسید: در خیمه استظلال می‌کند. فرمود: اشکال ندارد... رسول خدا صلی الله علیه و آله (در حال احرام) بر راحله‌اش می‌نشست و استظلال نمی‌کرد، در حالی که آفتاب او را می‌آزرد. پس با بعضی اعضای بدنش بعضی دیگر را می‌پوشاند. و چه بسا با دستش صورتش را می‌پوشاند (تا از سوزش خورشید در امان بماند). ولی هنگامی که در خیمه یا منزل و یا کنار دیوار فرود می‌آمد، سایه می‌گرفت و استظلال می‌کرد. دلیل دیگر، عدم دلیل بر منع است. دلیلی بر منع استظلال در توقفگاه‌ها و منازل نرسیده است.



### فصل ششم. استظلال برای زنان و کودکان

استظلال برای زنان و کودکان واجب نیست. همه فقها بر این مسأله اتفاق دارند و فتوایی بر خلاف از کسی صادر نشده است. امام خمینی و سایر آیات عظام: سایه قرار دادن برای مردان، جایز نیست، ولی برای زنان و بچه‌ها، جایز است و کفاره هم ندارد.<sup>۳۰</sup>

#### دلیل

دلیل بر جواز استظلال برای زنان و کودکان روایاتی است که به این مسئله تصریح دارد. برخی از این روایات را شیخ حر عاملی در باب جَوَازِ تَظْلِيلِ النِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ فِي الْإِحْرَامِ ذکر کرده است:

۱. جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ از امام صادق علیه السلام: «لَا بَأْسَ بِالظَّلَالِ لِلنِّسَاءِ ...»<sup>۳۱</sup>
۲. حَرِيزِ از امام صادق علیه السلام: «لَا بَأْسَ بِالْقَبَةِ عَلَى النِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ وَ هُمْ مُحْرَمُونَ»<sup>۳۲</sup>  
قبه (وسایه بان) بر زنان و کودکان ایرادی ندارد.
۳. أَبُو بَصِيرٍ. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يُضْرَبُ عَلَيْهَا الظَّلَالُ وَ هِيَ مُحْرَمَةٌ قَالَ نَعَمْ»<sup>۳۳</sup>

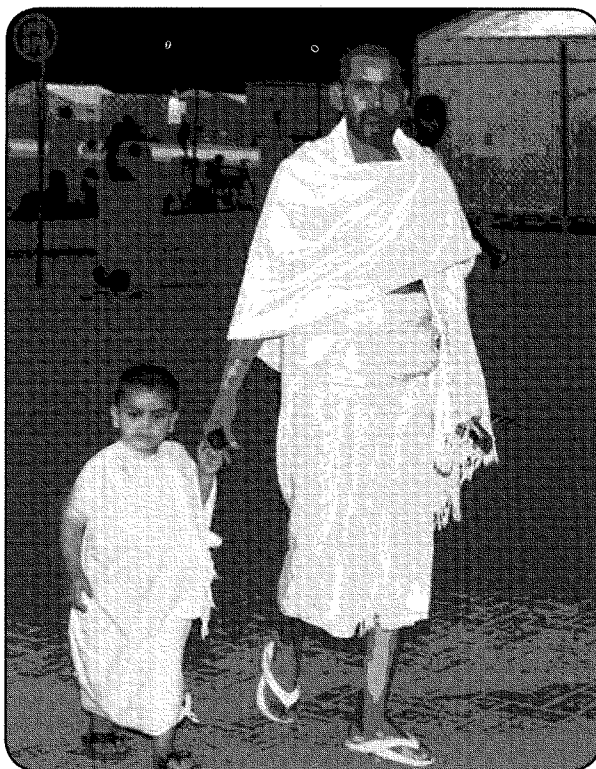
ابو بصیر گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا برای زن محرم می‌توان سایبان قرار داد؟  
فرمود: آری.

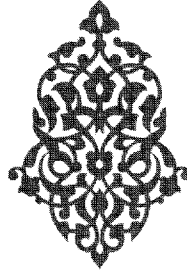
۴. صحیح محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیه السلام آمده بود: آیا زن محرمه می‌تواند  
سوار بر قبه شود و استظللال نماید؟ فرمود: آری. <sup>۳۴</sup>

۵. روایت حلبی: از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا زنان می‌توانند بر قبه سوار شوند؟ فرمود:  
آری. <sup>۳۵</sup>

۶. روایت هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام: سوار بر کنیسه و استظللال برای زنان جایز  
است. <sup>۳۶</sup>

بنا بر این بی‌هیچ تردیدی استظللال برای زنان و کودکان جایز است و کفاره نیز ندارد.





### فصل هفتم؛ استظلال در شب

در این مسئله چهار قول وجود دارد: الف. قول به جواز. ب. قول به عدم جواز. ج. قول به احتیاط. د. قول به تفصیل.

#### الف. قائلین به جواز

بیشترین فقهای معاصر قائل به جواز استظلال در شب هستند. اینان برای ظل و سایه در شب اعتباری قائل نیستند. چون خود شب ظل و سایه است. قبلا گفته شد که ظل دو معنی دارد. یا به معنی نبود نور و روشنایی خورشید است، یا به معنی ساتر بودن. قائلین به جواز معنی اول و قائلین به عدم جواز معنی دوم را مد نظر گرفتند.

۱. امام خمینی رحمته الله علیه : استظلال در شب، خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن، به نظر بعید نیست؛ بنابراین، جواز نشستن محرم در هواپیما و ماشینی که شب حرکت می کند، بعید نیست.<sup>۳۷</sup>

۲. آیت الله بهجت: مقتضای خطاب روایات و اصل منع، مختص به سایه انداختن از آفتاب است و در شب منعی نیست.

۳. آیت الله خامنه ای: ظاهر این است که حرمت استظلال بر محرم، اختصاص به طول روز دارد و استظلال در شب مانع ندارد هر چند احتیاط در ترک آن است. و این احتیاط در شب های بارانی و سرد در صورتی که استظلال به قصد فرار از باران یا سرما باشد ترک نشود.<sup>۳۸</sup>

۴. آیت الله صافی: احتیاط مستحب ترک استظلال است در شب.
۵. آیت الله گلپایگانی (ره): بعید نیست که بگوئیم استظلال در شب نیست.
۶. آیت الله فاضل (ره): جواز استظلال در شب بعید نیست.
۷. آیت الله مکارم: استفاده از ماشین‌های سر پوشیده در حال احرام در شبها یا بین الطلوعین جایز است.
۸. آیت الله نوری: جواز استظلال در شب بعید نیست.
۹. آیت الله وحید: عمومیت حرمت استظلال برای شب محل اشکال است و الأحوط الاجتناب.

#### ب. قائلین به عدم جواز

- در نزد این دسته، ظل به معنی ساتریت است.
۱. آیت الله خوئی قدس سره: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنها است. پس اگر هیچکدام از آنها نباشد، به نحوی که وجود و عدم سایبان یکسان باشد اشکال ندارد، و در این حکم بین شب و روز فرقی نیست.
  ۲. آیت الله زنجانی: در شب نیز جایز نیست هر چند در شب حرکت کند.

#### ج. قول به احتیاط

آیت الله تبریزی قدس سره: ترک تظلیل در شب احتیاط و جویی است.

#### د. قول به تفصیل

آیت الله سیستانی: سوار شدن در ماشین سقف دار و مانند آن در شب و بین الطلوعین و روزهایی که ابر غلیظ مانع تابش خورشید باشد، در صورتی که بارانی نباشد اشکال ندارد و اگر بارانی باشد کفاره دارد و به احتیاط واجب جایز نیست.<sup>۳۹</sup>

#### دلایل

برای جواز استظلال در شب ادله و شواهدی چون لغت، عرف، کلمات فقها و روایات

باب وجود دارد.



## الف. کلمات فقها

عالمان متقدم از شیخ صدوق و شیخ مفید گرفته تا علامه و شیخ طوسی، متعرض مسأله استظلال در شب نشده‌اند. حتی علامه شیخ محمد حسن نجفی در کتاب جواهر الکلام که هیچ مسأله‌ای از منظرش مغفول نمی‌ماند، به این مسأله اشاره هم نکرده است! بنابراین، در کلمات قدما عنوان تظلیل و استظلال در شب وجود ندارد. متعلق فتاوا و سخنان آن بزرگواران، فقط عنوان استظلال و تظلیل از خورشید در روز می‌باشد. این مسأله در کلمات معاصرین آمده و در کنار عنوان استظلال در روز قرار گرفته است.

سؤال: عدم تعرض فقیهان گذشته به مسأله استظلال در شب، گویای چه مطلبی است؟ پاسخ: عدم اشاره به این مسأله، یا بدین جهت بوده که در آن عصر مورد ابتلای حجاج نبوده است؛ زیرا کاروان‌های حجاج به دلایل ناامنی و... نوعاً در روز حرکت می‌کردند و شب‌ها به استراحت می‌پرداختند. بنابراین، بحث استظلال در شب مورد ابتلا و سؤال نبوده است و یا بدین جهت بوده که برای استظلال در شب مفهومی تصور نمی‌کردند. ظل و تظلیل فقط در روز و با وجود خورشید معنی می‌دهد. در شب تاریک که خورشیدی وجود ندارد، سایه هم معنی ندارد. شاید به همین دلیل صاحب جواهر نیز به آن اشاره نکرده است.

## ب. روایات

در روایات باب، به مسأله استظلال در شب هیچ اشاره‌ای نشده است و این سؤال به ذهن می‌آید: چرا مسأله استظلال در شب در روایات مطرح نشده است؟ آیا معرض عنه بوده؛ یعنی چون جواز آن مسلم بوده، مورد سؤال قرار نگرفته است؟ یا شب و روز یکی بوده؟ به هر حال، مسأله مبهم است، و تنها فقهای معاصر به آن پرداخته‌اند، آن هم دلیلی قانع کننده بر فتوای خود نیاورده‌اند. با این رویکرد ناچاریم نگاهی دو باره به روایات داشته باشیم: پنج گروه روایت برای حرمت استظلال و تظلیل ذکر کردیم و اکنون بار دیگر آن‌ها را مرور می‌کنیم.

گروه پنجم روایات به استتار و پوشاندن از خورشید تصریح داشت. در روایت اسماعیل و معلی عبارت: «هَلْ يَسْتَتِرُ الْمُحْرِمُ مِنَ الشَّمْسِ؟» و روایت معاویه عبارت: «حَرَّ الشَّمْسِ» آمده

بود که کلمه شمس به روز تصریح دارد و در این تردیدی نیست. از این رو، شب تخصصاً از موضوع خارج است. پس این دسته از روایات، فقط بر حرمت استظلال در روز دلالت می‌کند.

گروه چهارم امر به اضحاء داشت. اضحاء (روشنایی) از شوون خورشید است و ظهور و بروز برای آفتاب دارد. در قرآن می‌خوانیم: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا». همچنین در روایت عبدالله بن مغیره آمده بود: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الشَّمْسَ تَعْرُبُ بِذُنُوبِ الْمُحْرِمِينَ»، این عبارت با صراحت به خورشید و روز اشاره دارد و شامل شب نمی‌شود. این طائفه روایات نیز فقط بر حرمت استظلال در روز دلالت می‌کند و هیچ اشاره‌ای به شب ندارد.

گروه سوم، روایاتی است که بر عدم جواز سوار شدن بر قبه و کنیسه؛ یعنی مرکب‌های مسقف دلالت داشت. شاید تصور شود که اطلاق این طایفه روایات؛ اعم از شب و روز است؛ چون قبه و سقف همچنان که انسان را از گرمای آفتاب حفظ می‌کند از سرما و باد و باران در شب نیز نگه می‌دارد.

ممکن است در مقابل این شبهه گفته شود که داشتن سقف و قبه برای حفاظت از حرارت گرمای خورشید در روز بوده است. چون اولاً ممکن است به قرینه روایات، حرکت کاروان‌ها در روز انجام می‌گرفته است. ثانیاً در مناطق گرمسیر آن سر زمین، اقتضای حرکت در شب چنین بوده که مرکب‌هایی سقف باشند تا حجاج از هوای آزاد استفاده کنند. بنابر این، قدر متیقن این طائفه روایات ظهور در استظلال در روز است.

گروه اول و گروه دوم که بر حرمت تظلیل و استظلال اشاره داشت. در اینجا این سؤال پیش می‌آید: آیا ظل شامل شب نیز می‌شود یا نه؟ در مفهوم شناسی ظل گذشت: ظل در لغت به معنای سایه و تاریکی، ضد روشنایی است.

اسْتَظَّلَ اسْتَظْلَالًا [ظَلًّا] بِالظِّلِّ: به‌سوی سایه رفت و در آن نشست.  
أَظَلَّ إِظْلَالًا [ظَلًّا] الْيَوْمَ: روز سایه‌دار و ابری شد، -ه: او را زیر سایه خود در آورد، سایه خود را بر او افکند.

تَظَلَّلَ [ظَلًّا] بِالشَّجَرَةِ: در زیر سایه درخت نشست.

در قرآن، در آیات فراوانی ظل به معنای سایه آمده است.

«وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ» (بقره: ۵۷)

«أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا» (فرقان: ۴۵)

«فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ» (قصص: ۲۴)

«وَظِلٌّ مَمْدُودٌ» (واقعه: ۳۰)

بنا بر این، تظلیل و استظلال از مادهٔ ظل به معنای سایه گرفتن در روز است. در نتیجه گروه‌های روایی به استظلال در روز اشاره دارند.

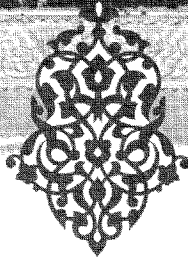
### دلایل عدم جواز

قائلین به عدم جواز استظلال در شب دلیل متقن و استواری ندارند، بلکه تنها با استناد به روایات قبه و مطر خواسته‌اند حرمت استظلال در شب را اثبات کنند. با این استدلال که روایات قبه و مطر عام است و شامل روز و شب می‌شود.

### پاسخ:

اولاً. قبه و کنیسه بنفسه ملاک نیست. آن چه ملاک است، سایهٔ قبه و کنیسه می‌باشد. قبه و کنیسه وقتی سایه دارند که در معرض آفتاب قرار گیرند و گرنه در شب تاریک و ظلمانی که هیچ چیز پیدا نیست، سایه چه معنی پیدا می‌کند.

ثانیاً. روایات مطر مجمل و مبهم بود و نمی‌توانست مستند مسألهٔ استظلال در شب قرار گیرد. ثالثاً. اگر استظلال در شب مطرح و مورد بود، ائمه علیهم‌السلام با ادبیات خاص خودشان آن را بیان می‌کردند و این چنین مکلفین سرگردان نمی‌شدند تا بخواهند از میان لغت نامه‌ها و کنایات و مفاهیم به حکم خدا دست پیدا کنند. چگونه حکم خدا در حرمت استظلال در روز با مفاهیم اساسی و شفاف بیان شده است؟ اگر استظلال در مورد شب نیز صادق بود می‌بایست حکم آن به‌طور روشن بیان شود.



## فصل هشتم. کفاره سایه

به فتوای فقهای بزرگوار، استظلال - با عذر و بی عذر - کفاره دارد و کفاره آن یک گوسفند است.

امام خمینی رحمته الله علیه: کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل، یک گوسفند است، چه با عذر باشد و چه با اختیار، بنابر احتیاط واجب.

\* در احرام عمره، اقوی کفایت یک گوسفند است، هر چند بیش از یک مرتبه استظلال نموده باشد؛ و همچنین است احرام حج.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری: کفاره آن یک گوسفند است و فرقی بین اختیار و اضطرار نیست.<sup>۴۰</sup>

### دلیل

روایاتی که دال بر وجوب و نوع کفاره است: چند گروه می‌باشد. گروهی به طور مطلق می‌گویند: کفاره بدهد. گروهی می‌گویند گوسفند قربانی کند. روایتی نیز می‌گویند: روزی یک مد طعام بدهد.

### الف. گروه روایات مطلق

۱. روایت عَلِيُّ بْنِ جَعْفَرٍ از امام موسی علیه السلام که فرمود: وَ عَلَيْكَ الْكَفَّارَةُ. [ح ۱۷۴۶۳]
  ۲. روایت سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ از امام رضا علیه السلام: وَ يَقْدِي [ح ۱۷۴۶۵]
  ۳. روایت شیخ طوسی از امام هادی علیه السلام می‌فرمود: وَ بُهْرِيقُ دَمًا. [ح ۱۷۴۶۲]
- این روایت به صورت اطلاق فقط می‌گویند: خونی بریزد و کفاره بدهد. ولی نوع آن را مشخص نکرده است.

### ب. گروه روایات مقید (گوسفند)

۴. روایت مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلٍ از امام رضا علیه السلام فرمود: أَنْ يُقْدِيَهُ بِشَاةٍ يَذْبُحُهَا بِمَنَى. [ح ۱۷۴۶۴]
- و [ح ۱۷۴۶۷] و [ح ۱۷۴۶۸]
۵. روایت إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ از امام رضا علیه السلام: قَالَ شَاةٌ [ح ۱۷۴۶۶]

این روایات نوع کفاره را که یک گوسفند باشد مشخص کرده است. طبیعی است که اطلاق گروه نخست با این روایات قید می خورد. بنابراین کفاره استظلال یک راس گوسفند است.

### ج. روایت مد طعام

۶. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ... وَ يَتَصَدَّقُ بِمُدٍّ لِكُلِّ يَوْمٍ ۲۱ روزانه یک مد غذا صدقه بدهد.

این روایت که مد طعام را مطرح می کند تنها روایت ابو بصیر است. که به عنوان روایت شاذ در مقابل روایات صحیح و معتبر نمی تواند عرض اندام کند. علاوه که مورد اعراض فقها بوده و کسی به آن عمل نکرده و فتوا نداده است.

پی نوشت ها:	
۱. مناسک محشی، ص ۲۰۶، م ۴۸۴	۲۲. همان، ص ۵۱۹، ح ۱۶۹۶۵
۲. همان.	۲۳. خلاف، ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۱۸
۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۲۵، ح ۱۶۹۸۱	۲۴. مناسک محشی، م ۴۶۸
۴. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۴، ح ۱۷۴۶۲	۲۵. همان، م ۴۶۵
۵. همان، ح ۱۷۴۶۶	۲۶. همان، م ۴۶۶
۶. همان، [۱۷۴۶۷]	۲۷. همان، م ۴۷۰
۷. تفصیل الشریعه، کتاب حج، ج ۳، ص ۲۹۸	۲۸. همان، م ۴۶۸
۸. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۸	۲۹. همان، م ۴۶۵
۹. مناسک.	۳۰. مناسک محشی، ص ۲۳۲، م ۴۶۴
۱۰. المقنع، ص ۲۳۵	۳۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۱۸، ح ۱۶۹۶۲
۱۱. النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۲۲۱	۳۲. همان، ص ۵۲۰، ح ۱۶۹۶۷
۱۲. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۱، ص ۵۴۷	۳۳. همان، ص ۵۲۰، ح ۱۶۹۶۸
۱۳. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۱۸، ص ۳۹۸	۳۴. همان، ص ۵۱۶، ح ۱۶۹۵۳
۱۴. مناسک محشی، م ۴۸۵	۳۵. همان، ح ۱۶۹۵۴
۱۵. مناسک حج، ص ۳۱، م ۱۶۶	۳۶. همان، ح ۱۶۹۵۶
۱۶. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۱۷، ح ۱۶۹۵۸	۳۷. مناسک محشی، م ۴۸۴
۱۷. همان، ح ۱۶۹۶۱	۳۸. مناسک حج، ص ۳۱، م ۱۶۱
۱۸. همان، ص ۵۱۶، ح ۱۶۹۵۵	۳۹. آراء المراجع فی الحج، علی افتخاری، ج ۲، ص ۲۶۸ نشر مشعر، قم، دوم، ۱۴۲۸ق.
۱۹. همان، ح ۱۶۹۵۹	۴۰. محمودی، محمد رضا، مناسک حج (محشی)، م ۴۸۷ و ۴۸۸ در بیک جلد، نشر مشعر، تهران - ایران، ویرایش جدید، ۱۴۲۹ق.
۲۰. همان، ح ۱۶۹۶۰	۴۱. وسائل الشیعه ج ۱۳، ص ۱۵۶، ح ۱۷۴۶۹
۲۱. همان، ص ۵۲۶، ح ۱۶۹۸۳	